

جزوه زبان پیش ترکیبی

@zaban_yadegar3

فهرست

1 کلمات (Vocabulary)
1 Unit 1
2 Unit 2
3 Unit 3
4 Unit 4
5 Unit 5
6 Unit 6
8 گرامر (Grammer)
8 ساختار جمله
11 ضمایر مفعولی
14 ضمایر ملکی
14 استفاده از should
16 افعال action
17 مروف اضافی
20 ریدینگ ها همراه معنی
35 نمونه سوالات دو ترم قبل
43 نمونه سوالات دو ترم قبل همراه با جواب و توضیح
54 نمونه سوالات ترم قبل
65 نمونه سوالات ترم قبل همراه با جواب و توضیح

Vocabulary

کلمات مهم کتاب real reading همراه با معنی :

درس اول (unit 1) :

معنی	کلمه
حمل و نقل	1. Transport
فرودگاه	2. Airport
رسید (آمد)	3. Arrive
رسیدن	4. Arriving
بار سفر (چمدان)	5. Baggage
مسافر	6. Passenger
توالت	7. Toilet
پاسپورت	8. Passport
قطار	9. Train
مرکز شهر	10. City center
ویژه	11. Special
راه طولانی	12. Long way

معنی	کلمه
سریعتر	13. Faster
اتوبوس	14. Bus
اتوبوس ها	15. Buses
آخر هفته ها	16. Weekends
ایستگاه ها	17. Stations
ایستگاه زیرزمینی	18. Underground station
بلیط	19. Ticket
ارزونتر	20. Cheaper
ترمینال (پایانه)	21. Terminal
ویلچر	22. Wheelchair
میز اطلاعات	23. Information desk
ترک کردن (رفتن)	24. Leave

درس دوم (unit 2) :

معنی	کلمه
مورد علاقم	1. My favorite
وعده غذایی	2. Meal
خوردن	3. Eat
خوشمزه	4. Tasty
صبحانه	5. Breakfast
بوفه	6. Buffet
سفارش دادن	7. Order
تحويل دادن	8. Deliver
رستوران گیاهخوارها	9. vegetarian restaurant
قیمت	10. price
دسر	11. Dessert
منو	12. Menu

معنی	کلمه
گوشت	13. Meat
سبزیجات	14. Vegetables
مرغ	15. Chicken
پنیر	16. Cheese
پیش غذا	17. Appetisers
اصلی	18. Main
گوشت	19. Sirloin
بزرگ (هیکی)	20. Chunky
نرم	21. Soft
سرخ شده	22. Fried
برش خورده	23. Sliced

درس سوم (unit 3) :

کلمه	معنی
1.Assistant	در اینجا فروشنده , مسئول معنی می دهد
2.Accessories	لوازم
3.Perfume	عطر
4.Cosmetic	وسیله آرایشی
5.Foot wear	کفش
6.Suitcase	چمدان
7.Luggage	وسایل سفر
8.Gadget	وسیله الکترونیکی
9. Facilities	امکانات
10.Disable	ناتوان کردن. از کار انداختن
11.Wedding	عروسی
12.Cash	پول نقد
13.Repair	تعمیر کردن
14.Watch	ساعت مچی
15.Jewellery	جواهرات
16.Trousers	شلوار
17.Pair	جفت

کلمه	معنی
18. Order	سفارش دادن
19.Fitting room	اتاق پرو
20.Exit	خروج
21.Ordering service	محل سفارش
22.Escalator	پله برقی
23.Exclude	مانع شدن
24.Detail	جزئیات
25.Cost	هزینه (بها)
26.Except	بجز
27.Accept	قبول کردن (پذیرفتن)
28.Credit card	کارت اعتباری
29.Cheques	چک
30.Cheap	ارزان
31.Notice	اطلاعیه
32.Information	اطلاعات
33.Guide	راهنما

درس چهارم (unit 4) :

کلمه	معنی
1. Foreign	خارجی
2. Currency	ارز (واحد پول)
3. Abroad	خارج از کشور
4. Exchange	معاوضه، مبادله پول
5. ATM	دستگاه خودپرداز
6. Customer	مراجعه کننده مشتری
7. Debit card	کارت اعتباری
8. Commission	کارمزد
9. Receipt	رسید
10. Card statement	صورتحساب کارت اعتباری
11. Exchange rate	نرخ ارز
12. Limit	محدود کردن
13. Free	رایگان

کلمه	معنی
14. Journey	سفر
15. Valid	معتبر
16. Purchase	خریداری کردن
17. Apply	درخواست کردن
18. PIN (personal identification number)	رمز
19. Bank account	حساب بانکی
20. Make mistakes	اشتباه کردن
21. Insert	وارد کردن (برای بیان کارت را وارد کنید استفاده می شود)
22. Take	برداشتن، گرفتن
23. Enter	وارد کردن (برای بیان رمز را وارد کنید استفاده می شود)
24. Imperative verb	افعال ساده بدون to
25. Press	فشار دادن

درس پنجم (unit 5) :

کلمه	معنی
1. Organized	مرتب شده
2. Temple	معبد
3. Tomb	آرامگاه
4. Pyramid	اهرام
5. attention Pay	توجه کردن
6. Expensive	گران
7. Overlooking	چشم انداز
8. Beauty salon	سالن زیبایی
9. Private	خصوصی
10. Shower	دوش
11. Deposit box	صندوق امانات
12. Price	قیمت
13. Bath tub	وان حمام
14. Satellite	ماهواره
15. Air conditioning	کولر
16. Dry cleaning	خشکشویی
17. Ironing	اتو کردن لباس
18. Safe	امن
19. Reception	پذیرش

کلمه	معنی
20. Before	قبل
21. Budget	بودجه
22. Historical	تاریخی
23. Ancient	باستانی (قدیمی)
24. Avenue	خیابان
25. Straight	مستقیم
26. On foot	پیاده
27. Offer	پیشنهاد
28. Roof	سقف
29. Panoramic	چشم انداز دار
30. Variety	گوناگونی (متنوع)
31. Dish	غذا
32. Provide	فراهم کردن
33. Storage	ذخیره کردن
34. Map	نقشه
35. Available	موجود بودن. در دسترس بودن
36. Souvenir	سوغاتی
37. Laundry	شستشو لباس

درس ششم (unit 6) :

معنی	کلمه
داروخانه	1. Chemist
قرص	2. Tablet
دارو	3. Medicine
صابون	4. Soap
سالم	5. Healthy
نصیحت. پیشنهاد	6. Advice
دارو فروش داروساز	7. Pharmacist
آرایشی	8. Cosmetic
دهان و دندان	9. Dental
محصول	10. Product
ضد تعریق	11. Deodorant
شوینده دهان	12. Mouthwash
کرم مرطوب کننده	13. Body lotion
دستمال کاغذی	14. Tissue
چسب زخم	15. Plaster
ضد عرق	16. Anti-perspirant
شامپو بدن	17. Shower gel
سوهان ناخن	18. Nail file
داروخانه	19. Pharmacy
ریمل	20. Mascara
آنفولانزا	21. Flu
سر درد	22. Headache
میگرن	23. Migraine
تب	24. Fever

معنی	کلمه
دندان درد	25. Toothache
درد عضلانی	26. Muscle pain
کثیف	27. Dirty
مناسب	28. Suitable
بزرگسال	29. Adult
مسن. سالخورده	30. Elderly
قابل قورت دادن (بلعیدن)	31. Swallow
جویدنی	32. Chewable
ضروری	33. Necessary
زیاده روی	34. Exceed
علائم بیماری	35. Symptoms
گلو درد	36. Sore throat
گرفتگی بینی	37. Block nose
تاثیرگذار	38. Effective
راحت شدن	39. Relief
شکر	40. Sugar
جستجو کردن	41. Sought (seek)
پافشاری کردن	42. Persist
مشورت کردن	43. Consult
اسپری بینی	44. Nasal spray
تصمیم گرفتن	45. Decide
دستورعمل	46. Instruction
نسخه	47. Transcript

روز های هفته

weekdays: روز های هفته (روز های غیر تعطیل)

Monday : دوشنبه
Tuesday : سه شنبه
Wednesday : چهارشنبه
Thursday : پنج شنبه
Friday : جمعه

weekend: آخر هفته (روز های تعطیل)

Saturday : شنبه
Sunday : یکشنبه

فصل ها:

Spring: بهار

Summer: تابستان

Fall: پاییز

Winter: زمستان

GB English	Us English
Ground floor	First floor
First floor	Second floor
Second floor	Third floor

GB English: chemist's

US: drugstore

South African: pharmacy

Australian: pharmacy

Grammer

گرامر های مورد نیاز

در انگلیسی در قسمت ابتدای جمله همچون فارسی فاعل را داریم که شامل ضمائر و اسم ها هستند.
ضمائر:

من I.

تو You.

او (مؤنث) She=Zahra .my sister

تمام اسامی دختر و هر اشاره به سوم شخص خانم

او (مذکر) He= Ali, my dad

تمام اسامی پسر و هر اشاره به سوم شخص آقا

آن (اشیا) It= book .apple

تمام اشیا .حيوانات .میوه ها و غیره

ما We =my mom and I

آن ها (اشیا.انسان) They = Ali and Akbar

شامل دو یا چند انسان یا اشیا

قسمت دوم جمله در انگلیسی فعل است

افعال در انگلیسی به دو دسته تقسیم می شوند :

هستن بودن ToBe=am .is .are.

فعل های دارای حس و حالت Action=

ToBe افعال

I am من هستم

I am a teacher (اسم)

I am happy (صفت)

.....

You are تو هستی

You are teacher (اسم)

You are happy (صفت)

.....

We are ما هستیم

We are teachers (اسم جمع)

We are happy (صفت)

.....

They are آن ها هستند

They are teachers (اسم جمع)

They are happy (صفت)

.....

She is او هست

She is a teacher

She is happy

Zahra is happy/teacher

.....

He is او هست

He is teacher

He is happy

Ali is happy /teacher

.....
It is آن هست

It is an apple (اسم)

It is blue (صفت)

برای منفی کردن جملات بالا کافی است not را به آخر فعل Tobe اضافه کنیم

I am not. I'm not.

You are not. you aren't

She is not. she isn't

He is not. He isn't

We are not. we aren't

They are not. they aren't

برای سوالی کردن کافی است جای فعل و فاعل را جابه جا کنیم

She is a teacher -Is she a teacher?

You are happy-Are you happy?

It is an apple -Is it an apple?

.....

a/an

این دو حرف را قبل از اسامی مفرد قابل شمارش استفاده می کنیم و معنی آن ها یک است.

: an

برای کلماتی استفاده می شود که با حروف صدادار (a, i, o, u, e) شروع می شود استفاده می شود

مانند

An apple /an eraser/an uniform/an orange

: a

از این حرف قبل از کلماتی استفاده می شود که حرف اول آن ها صدادار نباشد (یعنی تمام حروف به غیر از پنج حرف صدادار معرفی شده)

a book
a cat
a pen

It is an apple
It is a book

S جمع :

برای جمع بستن اسامی قابل شمارش در انگلیسی معمولاً باید s را به آخر کلمه اضافه کنیم

Book : books

Orange : oranges

Boy : boys

اگر اسم مفرد به y ختم شود و حرف قبل از y حرف بدون صدا باشد یعنی باید y را به ies تغییر می‌دهیم

City : cities

ضمایر مفعولی (objective pronouns) هستند که به شخص یا چیزی اشاره دارد که تحت تأثیر یک عمل قرار می‌گیرد و معمولاً بعد از فعل یا حرف اضافه می‌آید. این ضمایر جایگزین مفعول در جمله میشوند و نقش مفعول جمله را می‌پذیرند. درست مانند ضمایر فاعلی، ضمایر مفعولی می‌توانند مفرد یا جمع، مذکر، مؤنث یا جنسیت خنثی باشند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

We will be late if you don't hurry up.

اگه شما (ضمیر مفعولی) عجله نکنید ما (ضمیر فاعلی) دیر میکنیم.

John sang the song to me.

جان (فاعل) آهنگ را برای من (ضمیر مفعولی) خواند.

She packed them tightly in the suitcase.

او (ضمیر فاعلی) آنها (ضمیر مفعولی) را محکم در چمدان بسته بندی کرد.

آموزش انواع ضمایر مفعولی و ضمایر فاعلی در انگلیسی
هفت ضمیر اصلی زبان انگلیسی زمانی که به عنوان فاعل به کار می‌روند یک شکل و زمانی که به عنوان مفعول به کار می‌روند شکل دیگری دارند. توجه داشته باشید که برخی از ضمایر فاعلی یا ضمایر مفعولی یکسان هستند.

ضمایر معادل در فارسی انواع ضمیر مفعولی در انگلیسی انواع ضمیر فاعلی در انگلیسی

من I Me

تو You You

او (مذکر) He Him

او (مؤنث) She Her

او (غیر انسان) It It

ما We Us

آنها They Them

جدول ضمایر مفعولی و فاعلی

در زبان انگلیسی برخلاف زبان فارسی برای اشاره به سوم شخص مفرد چه در جایگاه فاعل و چه مفعول باید به جنسیت توجه کنیم. و همچنین هنگامی که به آب و هوا، دما، زمان، یک جسم بی جان یا کودک یا حیوانی با جنسیت نامشخص اشاره می شود، می توان از ضمیر (It) استفاده کرد. مانند مثال زیر:

The bread is stale. You can feed it to the birds.

نان بیات شده است. می توانید آن را به پرندگان بدهید.

در زبان انگلیسی هر دو ضمیر مفعولی برای دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع یکسان هستند. چه بخواهیم یک نفر را خطاب کنیم چه هزار نفر، ضمیر مفعول همیشه You است.

یافتن فاعل و مفعول در جمله

گاهی اوقات تشخیص ضمایر فاعل و مفعول در جمله دشوار است. یادآوری این نکته می تواند مفید باشد که فاعل و مفعول یک جمله اسم یا ضمیر خواهند بود پس در ابتدا اسامی و فعل ها را به طور ذهنی از بقیه ی کلمات جدا کنید. فاعل کلمه ای است که عمل فعل را انجام میدهد یا در حقیقت انجام دهنده است. در حالی که مفعول اسم یا ضمیری است که تحت تأثیر عمل فاعل جمله قرار می گیرد است یا به کلام دیگر عمل فعل بر روی آن انجام می شود. به مثال های زیر که شامل هر دو ضمیر هستند توجه کنید:

I want you to read this book.

از شما می خواهم این کتاب را بخوانید.

You are the fastest runner on the team, and we're depending on you.

شما سریعترین دوندۀ تیم هستید و ما به شما وابسته هستیم..

They talked to me about acting in the play.

درباره بازی در نمایش با من صحبت کردند.

توجه داشته باشید ضمایر مفعولی میتوانند با هم در یک جمله به کار روند و دو یا چند مورد از آن ها را در جمله داشته باشیم.

He told my sister and me to stay quiet

او به من و خواهرم گفت ساکت بمانیم.

تفاوت ضمایر مفعولی و فاعلی در حالی که بیشتر انگلیسی زبانان به طور غریزی نحوه استفاده از ضمایر فاعل و مفعول را در بیشتر زمینه ها می دانند، گاهی اوقات سردرگمی با ترکیباتی مانند I and you یا you and me رخ می دهد. هر یک از اینها بسته به نقششان در جمله می تواند انتخاب صحیحی باشد.

ضمیر You که در هر دو نوع فاعلی و مفعولی تغییر نمی کند، در حالی که بخش متغیر ضمیر یا اسم دیگر است. برای انتخاب صحیح از میان گروه فاعلی یا مفعولی بهتر است از این شیوه استفاده کنید. تصور کنید یکی از دو کلمه اگر حذف شود جمله به کدام ضمیر نیاز دارد. به مثال های زیر توجه کنید. در هر دو نمونه جمله ی اول اشتباه و جمله ی دوم صحیح است:

You and me went to the beach. ["me went"] ❌

You and I went to the beach. ["I went"] ✅

در جمله ی اول با در نظر نگرفتن ضمیر You ضمیر Me باقی میماند که این یکی از ضمیرهای مفعولی بوده و نمیتواند در نقش فاعل ظاهر شود در حالی که ضمیر فاعلی I صحیح می باشد.

If you have any questions, just ask I. ["just ask I"] ❌

If you have any questions, just ask me. ["just ask me"] ✅

در این مثال نیز با نادیده گرفتن اسم می‌توانیم به آسانی ضمیر مورد نیاز را تشخیص دهیم. این جمله به ضمیر مفعولی نیاز دارد.

فراموش نکنید در گرامر ضمائر مفعولی و ضمائر ترکیب دو ضمیر فاعلی و مفعولی در هر حالتی اشتباه است. برای نمونه ترکیب I and him اشتباه است.

ضمائر ملکی

ضمائری هستند که برای ملکیت دادن چیزی به یک شخص استفاده می‌شود مثلاً زمانی که می‌خواهید در مورد کیف خوب صحبت کنید باید از واژه کیف من (my bag) استفاده کنید در اینجا (my) ضمیر ملکی برا من است بقیع ضمائر ملکی به قرار زیر است

My bag کیف من

Your bag کیف تو

Her bag (مؤنث) کیف او

His bag (مذکر) کیف او

Its foot (حیوان، اشیا) پای آن

Our bag کیف ما

Their bag کیف آن‌ها

Should

این فعل یک فعل کمکی است یعنی باید آن را به همراه یک فعل دیگر به کار برد. این فعل برای دادن پیشنهاد یا نصیحت کردن در مواردی که ترجیح بر انجام کاری یا نیاز به انجام کاری است استفاده می‌شود.

مثال:

I have a Toothache.
You should visit a dentist .

My clothes are dirty .
I should wash them .

I want to learn English .
You should go to English class

حالت منفی این فعل همچنین برای نهی کردن از کاری استفاده می‌شود که نیازی به انجام آن نیست یا انجام آن مناسب نیست.

مثال :

We shouldn't buy something that we don't need them .

You shouldn't leave your book in home you need it in class.

تذکره :

بعد از should و shouldn't فعل باید به شکل کاملاً ساده استفاده شود یعنی بعد از آن نباید از to و ing استفاده کرد

I should to drink water ❌

I should drink water ✅

You shouldn't eating candy ❌

You shouldn't eat candy ✅

افعال: action

افعالی هستند که دارای حس و حالت هستند مانند: go, come, eat, have, sit.....
برای مثال در اینجا استفاده از go و have را بررسی می‌کنیم.

I go to school / I have a car

You go to school / you have a car

We go to school / we have a car

They go to school / they have a car

.....

She goes to school / she has a car

He goes to school / he has a car

.....

برای منفی کردن جملات بالا باید از don't و برای she, he, it, doesn't استفاده کنیم

I don't go to school / I don't have a car

You don't go to school / you don't have a car

We don't go to school / we don't have a car

They don't go to school / they don't have a car

She doesn't go to school / she doesn't have a car

He doesn't go to school / he doesn't have a car

...

برای سوالی کردن جملات بالا کافست از do و does استفاده کنیم

Do I have a car? Yes, I do - No I don't

Do you have a car? Yes I / We do - No I / We don't

Do we have a car? Yes, We do - No We don't

Do they have a car? Yes, they do - No they don't

....

Does she have a car? Yes, she does - No she doesn't

Does he have a car? Yes, he does - No he doesn't

Does Ali have a car? Yes, he does - No he doesn't

Does your mom have a car? Yes, she does - No she doesn't

:There is /there are

به معنی وجود داشتن است و هنگامی از آن ها استفاده می‌کنیم که به حضور یا وجود داشتن چیزی اشاره کنیم
از there is برای اشاره به یک جسم یا شخص و از there are برای اشاره به چند جسم و چند شخص استفاده می‌کنیم

There is a girl in the class

There is a desk on the table

There are three cars in garage

There are four men in the yard

برای سوالی کردن جملات بالا کافی است جای فعل و there را جا به جا کنیم

Are there any girls in the class?

Yes, there is a girl

Yes there are three girls

Is there a pen on the table?

Yes, there is

No there isn't

حروف اضافه :

برای ادرس دادم وسایل در مکان های مختلف یا صحبت در مورد مکان های مختلف می‌توان از حروف اضافه زیر استفاده کرد

On: بالا

Where is your bag ?

My book in on the desk

In: داخل، درون

Where is your bag?

My book is in my bag

Where is your bag ?

Under: پایین

My book in under the bed

برای صحبت در مورد مکان ها می‌توان از حروف اضافه on, in, at استفاده کرد اما توجه داشته باشید در انگلیسی بعضی موارد فقط می‌توانند با یک حرف اضافه خاص استفاده شوند در پهن معنی کنید آن ها را به خاطر بسپارید

قبل از کشور ها ، قاره ها ، شهری که شخصی در آن زندگی می‌کند باید از in استفاده کرد

Ali lives in Mashhad

Ali lives in Iran

Ali lives in Asia

برای صحبت در مورد خیابان ، جاده ، کوچه باید از on استفاده کرد

Sara lives on Hill street

حال اگر قصد اشاره به شماره خیابان را دارید باید از at استفاده کنید

Sara lives at 44Hill street

برای صحبت در مورد اتاق های خانه از in

Mum is in the. Kitchen

Bed room

Class

و غیره

قبل از work, school, home باید از حرف اضافه at استفاده کرد

You should stay at home

I am at work I can't speak with you

Sara is at school she isn't at home

حروف اضافه زمان :

حروف اضافه زمان نیز مجند همان at, in, on هستند اما فراموش نکنید که در انگلیسی باید به خاطر بسپارید که برای

چه مواردی باید از کدام حرف اضافه استفاده کرد

:At

قبل از صحبت در مورد یک ساعت مشخص و کامل :

I go to school at one o'clock (ساعت کامل است و دقیقه به آن اضافه نشده)

I go to school at one -thirty ✗

قبل از استفاده از کلمه night

I will see you at night

We sleep at night

:In

قبل از به کار بردن نام ماه ها

My birthday in October

قبل از سال ها

I was born in 2005

قبل از morning ,evening ,afternoon

I have class in the morning
I go to gym in the afternoon
I watch TV in the evening

:On

قبل از روز های هفته

I have Arabic class on Monday

Can you come here on Sunday?

قبل از تاریخ های دقیق

I was born on October. 31.1991

:From...to

زمانی که می‌خواهید در مورد یک بازه زمانی صحبت کنید باید از این حرف اضافه استفاده کنید

I have class from 1:00 to 3:30

ریدینگ های منتخب کتاب Introductory Steps To Understanding

همراه با معنی :

1.

Mr. Jones had a few days' holiday, so he said, 'I'm going to go to the mountains by train. He put on his best clothes, took a small bag, went to the station and got into the train. He had a beautiful hat, and he often put his head out of the window during the trip and looked at the mountains. But the wind pulled his hat off. Mr. Jones quickly took his old bag and threw that out of the window too. The other people in the carriage laughed. Is your bag going to bring your beautiful hat back?' they asked.

'No, Mr. Jones answered, but there's no name and no address in my hat, and there's a name and an address on the bag. Someone's going to find both of them near each other, and he's going to send me the bag and the hat.'

ترجمه:

آقای جونز چند روز تعطیل داشت، بنابراین او گفت: "من با قطار به کوه می روم." او بهترین لباس هایش را پوشید، کیف کوچکی برداشت، به ایستگاه رفت و سوار قطار شد. او کلاه زیبایی داشت او در سفر اغلب سرش را از پنجره بیرون می آورد و به کوه ها نگاه می کرد. اما باد کلاهش را برد. آقای جونز به سرعت کیف قدیمی خود را برداشت و آن را نیز از پنجره به بیرون پرت کرد. افراد دیگر در واگن خندیدند. آیا کیف شما قرار است کلاه زیبای شما را برگرداند؟ آنها این سوال را پرسیدند.

آقای جونز پاسخ داد: نه، اما روی کلاه من هیچ نام و نشانی وجود ندارد ولی روی کیف هم نام و نشانی وجود دارد و یکی قرار است هر دوی آنها را نزدیک هم پیدا کند و کیف و کلاه را برای من بفرستد.

2.

An old lady went out shopping last Tuesday. She came to a bank and saw a car near the door. A man got out of it and went into the bank. She looked into the car. The keys were in the lock.

The old lady took the keys and followed the man into the bank.

The man took a gun out of his pocket and said to the clerk, 'Give me all the money!'

But the old lady did not see this. She went to the man, put the keys in his hand and said, 'Young man, you're stupid! Never leave your keys in your car: someone's going to steal it!'

The man looked at the old woman for a few seconds. Then he looked at the clerk- and then he took his keys, ran out of the bank, got into his car and drove away quickly, without any money.

ترجمه:

یک پیرزن سه شنبه گذشته برای خرید رفت بیرون. او به بانک رفت و ماشینی را نزدیک در دید. یک مردی از آن خارج شد و به داخل بانک رفت. پیرزن به ماشین نگاه کرد. کلید در قفل بود.

پیرزن کلیدها را برداشت و به دنبال مرد وارد بانک شد.

مرد اسلحه ای از میبش درآورد و به منشی گفت: همه پول ها را به من بده!

اما پیرزن این را ندید. به طرف مرد رفت، کلیدها را در دست او گذاشت و گفت: «جوان، تو احمق!

هرگز کلیدهای خود را در ماشین خود (ها) نکن ممکنه کسی آنها را بدزد!

مرد چند ثانیه ای به پیرزن نگاه کرد. سپس به منشی نگاه کرد و بعد کلیدهایش را گرفت، از بانک بیرون زد، سوار ماشینش شد و بدون هیچ پولی سریع رفت.

3.

Mary was an English girl, but she lived in Rome. She was six years old. Last year her mother said to her, 'You're six years old now, Mary, and you're going to begin going to a school here. You're going to like it very much, because it's a nice school.'

'Is it an English school?' Mary asked.

"Yes, it is," her mother said.

Mary went to the school, and enjoyed her lessons. Her mother always took her to school in the morning and brought her home in the afternoon. Last Monday her mother went to the school at 4 o'clock, and Mary ran out of her class.

'We've got a new girl in our class today, Mummy,' she said. 'She's six years old too, and she's very nice, but she isn't English. She's German.'

'Does she speak English?' Mary's mother asked.

'No, but she laughs in English,' Mary said happily.

ترجمه:

مری یک دختر انگلیسی بود اما در رم زندگی می کرد. او شش ساله بود. سال گذشته مادرش به او گفت: "تو الان شش ساله ای مری، و قراره اینجا به مدرسه بروی. و قراره که ازش فوشت بیاد، چون مدرسه فوبی است".

آیا این مدرسه انگلیسی است؟ مری این سوال را پرسید.

مادرش گفت: بله همینطور است.

مری به مدرسه رفت و از درس هایش لذت برد. مادرش همیشه او را صبح به مدرسه می برد و بعدازظهر او را به خانه می آورد. دوشنبه گذشته مادرش ساعت 4 به مدرسه رفت و مری از کلاسش خارج شد.

او گفت: "ما امروز یک دختر جدید در کلاس خود داریم، مامان".

مادر مری پرسید: "آیا او انگلیسی صحبت می کنه؟"

مری با خنده گفت: نه، اما او به انگلیسی می خندد.

5.

One of Harry's feet was bigger than the other. "I can never find boots and shoes for my feet," he said to his friend Dick.

Why don't you go to a shoemaker?" Dick said. "A good one can make you the right shoes."

I've never been to a shoemaker, Harry said. "Aren't they very expensive?"

"No, Dick said, "some of them aren't. There's a good one in our village, and he's quite cheap. Here's his address." He wrote something on a piece of paper and gave it to Harry.

Harry went to the shoemaker in Dick's village a few days later, and the shoemaker made him some shoes.

Harry went to the shop again a week later and looked at the shoes. Then he said to the shoemaker angrily, You're a silly man! I said, "Make one shoe bigger than the other," but you've made one smaller than the other!"

ترجمه:

یکی از پاهای هری از دیگری بزرگتر بود. او به دوستش دیک گفت: "من هرگز نمی توانم یکم و کفش برای پاهایم پیدا کنم."

دیک گفت: چرا پیش یک کفاش نمی روی؟

هری گفت: من هرگز به کفاشی نرفته ام. آیا آنها خیلی گران نیستند؟

دیک گفت: «نه، برفی از آنها اینطور نیستند. یک کفاش خوب در روستای ما هست، و قیمت های او بسیار ارزان است. آدرسش اینجاست.» او پیزی روی یک تکه کاغذ نوشت و به هری داد.

هری چند روز بعد نزد کفاش روستای دیک رفت و کفاش چند کفش برای او درست کرد.

هری یک هفته بعد دوباره به مغازه رفت و به کفش ها نگاه کرد. بعد با عصبانیت به کفاش گفت:

تو آدم احمقی هستی ! گفتم: یکی از کفش ها را بزرگتر از دیگری بساز، اما یکی را کوچکتر از دیگری

ساخته ای!

6.

Joe Richards finished school when he was 18, and then his father said to him, 'You've passed your examinations now, Joe, and you got good marks in them. Now go and get some good work. They're looking for clever people at the bank in the town. The clerks there get quite a lot of money now.'

A few days later, Joe went to the bank and asked for work there. A man took him into a small room and gave him some questions on a piece of paper. Joe wrote his answers on the paper, and then he gave them to the man. The man looked at them for a few minutes, and then he took a pen and said to Joe, 'Your birthday was on the 12th of June Mr. Richards?'

'Yes, sir,' Joe said.

'What year?' the man asked.

'Oh, every year, sir, Joe said.

ترجمه:

جو ریچاردز در 18 سالگی مدرسه را تمام کرد و سپس پدرش به او گفت: "تو اکنون امتحانات را قبول شدی، جو، و نمرات خوبی در آن ها گرفتی." حالا برو به کار خوب پیدا کن. آنها به دنبال افراد باهوش در بانک در شهر هستند. کارمندان آنها در حال حاضر پول بسیار زیادی می گیرند.

چند روز بعد، جو به بانک رفت و در آنها درخواست کار کرد. مردی او را به اتاق کوچکی برد و چند سوال روی یک تکه کاغذ به او داد. جو پاسخ های خود را روی کاغذ نوشت. سپس آنها را به مرد داد. مرد برای چند دقیقه به آنها نگاه کرد و سپس یک خودکار برداشت و به جو گفت: 'تاریخ تولدت در 12 ژوئن بود آقای ریچاردز؟'

جو گفت: بله قربان.

مرد پرسید: چه سالی؟

جو گفت: اوه، هر سال، قربان.

7.

Fred works in a factory. He does not have a wife, and he gets quite a lot of money every week. He loves cars, and has a new one every year. He likes driving very fast, and he always buys small, fast, red cars. He sometimes takes his mother out in them, and then she always says, "But, Fred, why do you drive these cars? We're almost sitting on the road!"

Then Fred laughs and is happy. He likes being very near the road. Fred is very tall and very fat.

Last week he came out of a shop and went to his car. There was a small boy near it. He was looking at the beautiful red car. Then he looked up and saw Fred.

"How do you get into that small car?" he asked him.

Fred laughed and said, 'I don't get into it. I put it on.'

ترجمه:

فرد در یک کارخانه کار می کند. او زن ندارد و هر هفته پول زیادی به دست می آورد. او عاشق ماشین است و هر سال یک ماشین جدید می گیرد. او رانندگی با سرعت بالا را دوست دارد و همیشه ماشین های کوچک، سریع و قرمز می فرد. او گاهی اوقات مادرش را با آنها بیرون می برد و او می گوید: "فرد، چرا همیشه در حال راندن این ماشین های؟ ما همیشه در جاده ایم (در جاده نشستیم)

سپس فرد می خندد و فوشمال می شود. او دوست دارد نزدیک جاده باشد. فرد بسیار قد بلند و بسیار چاق است.

هفته پیش از مغازه بیرون آمد و به سمت ماشینش رفت. یک پسر کوچک نزدیک آن بود. او به ماشین قرمز (بسیار) نگاه می کرد. سپس سرش را بلند کرد و فرد را دید.

از او پرسید: «چطور می توانی سوار آن ماشین کوچک شوی؟»

فرد خندید و گفت: "من سوارش نمی شوم. می پوشمش."

9.

Miss Williams was a teacher, and there were thirty small children in her class. They were nice children, and Miss Williams liked all of them, but they often lost clothes. It was winter, and the weather was very cold. The children's mothers always sent them to school with warm coats and hats and gloves. The children came into the classroom in the morning and took off their coats and hats and gloves. They put their coats and hats on hooks on the wall, and they put their gloves in the pockets of their coats.

Last Tuesday Miss Williams found two small blue gloves on the floor in the evening, and in the morning she said to the children, 'Whose gloves are these?', but no one answered.

Then she looked at Dick. 'Haven't you got blue gloves, Dick?' she asked him.

'Yes, miss,' he answered, 'but those can't be mine. I've lost mine.'

ترجمه:

فانم ویلیامز معلم بود و سی کودک در کلاس او بودند. آنها بچه های خوبی بودند و فانم ویلیامز همه آنها را دوست داشت، اما اغلب لباس هایشان را گم می کردند. زمستان بود و هوا خیلی سرد بود. مادرها بچه ها را همیشه با کت های گرم و کلاه و دستکش به مدرسه می فرستادند. بچه ها صبح وارد کلاس شدند و کت و کلاه و دستکش هایشان را درآوردند. کت و کلاه هایشان را روی قلاب های روی دیوار (گیره های روی دیوار) می گذارند و دستکش ها را در جیب کت هایشان می گذارند. بعد از ظهر سه شنبه گذشته فانم ویلیامز دو دستکش آبی کوچک روی زمین پیدا کرد و صبح به بچه ها گفت: "این دستکش های کی هستند؟"، اما کسی جواب نداد.

سپس به دیک نگاه کرد. او از او پرسید: "مگه تو دستکش آبی نداری، دیک؟"

او پاسخ داد: بله فانم، اما اینها نمی توانند مال من باشند. من مال خودم را گم کرده ام

10.

Whitebridge was a small village, and old people often came and lived there. Some of them had a lot of old furniture, and they often did not want some of it, because they were in a smaller house now, so every Saturday morning they put it out, and other people came and looked at it, and sometimes they took it away because they wanted it.

Every Saturday, Mr. and Mrs. Morton put a very ugly old bear's head out at the side of their gate, but nobody wanted it. Then last Saturday, they wrote, 'I'm very lonely here. Please take me,' on a piece of paper and put it near the bear's head.

They went to the town, and came home in the evening. There were now two bears' heads in front of their house, and there was another piece of paper. It said, 'I was lonely too.'

ترجمه:

وایت بریج روستایی کوچک بود و افراد مسن اغلب می آمدند و در آنجا زندگی می کردند. بعضی از آنها اثاثیه قدیمی زیادی داشتند و غالباً بعضی از آنها را نمی خواستند ، زیرا اکنون در خانه کوچکتری بودند ، بنابراین هر شنبه صبح آنها را بیرون خانه می گذاشتن و افراد دیگری می آمدند و به آن نگاه می کردند و گاهی اوقات آنها آن را می بردند چون آنها را می خواستند.

هر شنبه، آقا و خانم مورتون، سر یک فرس قدیمی بسیار زشت را کنار دروازه شان می گذارند، اما هیچ کس آن را نمی خواست. سپس شنبه گذشته، آنها: «من اینجا خیلی تنها هستم. لطفاً من را ببرید را بر روی یک تکه کاغذ نوشتن و نزدیک سر فرس قرار دادند.

آنها به شهر رفتند و عصر به خانه آمدند. حالا دو سر فرس جلوی خانه شان بود و یک تکه کاغذ دیگر. گفته بود: من هم تنها بودم.

13.

Mrs. Harris lives in a small village. Her husband is dead, but she has one son. He is twenty-one, and his name is Geoff. He worked in the shop in the village and lived with his mother, but then he got work in a town and went and lived there. Its name was Greensea. It was quite a long way from his mother's village, and she was not happy about this, but Geoff said, "There isn't any good work for me in the country, Mother, and I can get a lot of money in Greensea and send you some every week."

Mrs. Harris was very angry last Sunday. She got in a train and went to her son's house in Greensea. Then she said to him, 'Geoff, why do you never phone me?'

Geoff laughed. 'But, Mother,' he said, 'you haven't got a phone.'

"No, she answered, 'I haven't, but you've got one!'"

فانم هریس در یک روستای کوچک زندگی می کند. شوهرش مرده اما او یک پسر دارد. او بیست و یک ساله است و نامش جف است. در مغازه روستا کار می کرد و با مادرش زندگی می کرد، اما بعد در یک شهر کار پیدا کرد و رفت و آنجا زندگی کرد. نام آنجا گرین سی بود. فیللی از روستای مادرش فاصله داشت، و مادرش از این موضوع فوشمال نبود، اما جف گفت: "مادر، کار فوبی برای من در کشور وجود ندارد، و من می توانم در گرینسی و پول زیادی به دست بیاورم. هر هفته مقداریش را برای شما بفرستم.

فانم هریس یکشنبه گذشته بسیار عصبانی بود. او سوار قطار شد و به فانم پسرش در گرین سی رفت. سپس به او گفت: "جف، چرا هیچوقت به من زنگ نمی زنی؟"

جف فندید. او گفت: «اما مادر، تو که موبایل نداری».

او پاسخ داد، "نه من نداشتم، اما تو که یکی داری."

14.

Mr. Robinson never went to a dentist, because he was afraid, but then his teeth began hurting a lot, and he went to a dentist. The dentist did a lot of work in his mouth for a long time. On the last day Mr. Robinson said to him, "How much is all this work going to cost?" The dentist said. Twenty-five pounds," but he did not ask him for the money.

After a month Mr. Robinson phoned the dentist and said, you haven't asked me for any money for your work last month.

"Oh, the dentist answered, 'I never ask a gentleman for money.

Then how do you live?' Mr. Robinson asked.

Most gentlemen pay me quickly," the dentist said, "but some don't. I wait for my money for two months, and then I say, "That man isn't a gentleman," and then I ask him for my money.

ترجمه:

آقای رابینسون هیچوقت به دندانپزشکی نمی رفت، زیرا می ترسید، اما کمی بعد دندان هایش به شدت درد گرفت و به دندانپزشک رفت. دندانپزشک برای مدت طولانی کارهای زیادی در دهان او انجام داد. روز آخر آقای رابینسون به او گفت: "هزینه این همه کار چقدر است؟" دندانپزشک گفت: بیست و پنج پوند» اما از او پول درخواست پول نکرد. بعد از یک ماه آقای رابینسون با دندانپزشک تماس گرفت و گفت، تو ماه گذشته از من پولی برای کاری که انجام دادی نخواستی.

دندانپزشک پاسخ داد: "اوه من هرگز از یک آقا ممتزم پول نمی فواهم. پس چگونه فرج زندگی خود را در می آورید؟ آقای رابینسون این سوال را پرسید. دندانپزشک گفت: اکثر آقایان ممتزم سریع به من پول می دهند، اما برفی نمی دهند. دو ماه منتظر پولم می مانم و بعد می گویم آن آقا ممتزم آقا ممتزمی نیست و از او پول می فواهم.

15.

Bill likes football very much, and he often goes to matches in our town on Saturdays. He does not go to the best seats, because they are very expensive and he does not see his friends there.

There was a big football match in our town last Saturday. First it was very cold and cloudy, but then the sun shone, and it was very hot.

There were a lot of people on benches round Bill at the match. Bill was on one bench, and there was a fat man on a bench behind him. First the fat man was cold, but then he was very hot. He took his coat off and put it in front of him, but it fell on Bill's head. Bill was not angry. He took the coat off his head, looked at it and then smiled and said, "Thank you but where are the trousers?"

ترجمه:

بیل فوتبال را بسیار دوست دارد و او معمولاً شنبه ها به تماشای مسابقات شهرمان می رود. او بهترین صندلی ها را نمی گیرد، زیرا آنها بسیار گران هستند و دوستان خود را آنجا نمی بیند.

شنبه گذشته یک مسابقه فوتبال بزرگ در شهرمان برگزار شد. ابتدا هوا بسیار سرد و ابری بود، اما بعد فوراً تابید و هوا بسیار گرم شد.

در این مسابقه افراد زیادی روی نیمکت های دور بیل مضمون داشتند. بیل روی یک نیمکت نشسته بود و مردی چاق روی نیمکت پشت سرش نشسته بود. مرد چاق اول سردش بود ولی بعد خیلی گرم شد. کتش را درآورد و جلویش گذاشت، اما آن روی سر بیل افتاد. بیل عصبانی نشد. کت را از روی سرش برداشت و به آن نگاه کرد و سپس لبخندی زد و گفت: ممنون اما شلوار کجاست؟

16.

Peter was eight and a half years old, and he went to a school near his house. He always went there and came home on foot, and he usually got back on time, but last Friday he came home from school late. His mother was in the kitchen, and she saw him and said to him, "Why are you late today, Peter?"

"My teacher was angry and sent me to the headmaster after our lessons, Peter answered.

To the headmaster?" his mother said. "Why did she send you to him?"

"Because she asked a question in the class, Peter said, 'and none of the children gave her the answer except me."

His mother was angry. "But why did the teacher send you to the headmaster then? Why didn't she send all the other stupid children?" she asked Peter.

"Because her question was, "Who put glue on my chair?" Peter said.

ترجمه:

پیتر هشت و نیم ساله بود و به مدرسه ای نزدیک خانه اش می رفت. همیشه به آنجا می رفت و پیاده به خانه باز می گشت و معمولاً به موقع برمی گشت. اما جمعه گذشته دیر از مدرسه به خانه می آمد. مادرش در آشپزخانه بود و او را دید و به او گفت: "چرا امروز دیر آمدی پیتر؟" پیتر پاسخ داد: «معلم عصبانی بود و بعد از درس هایمان مرا پیش مدیر مدرسه فرستاد. مادرش گفت: "پیش مدیر مدرسه؟ چرا تو را پیش او فرستاد؟" پیتر گفت، چون او در کلاس سوالی پرسید، و هیچ یک از بچه ها به جز من جوابش را نداد. مادرش عصبانی بود. اما چرا معلم تو را نزد مدیر مدرسه فرستاد؟ چرا بقیه بچه های اعمق را نفرستاد؟ او این سوال را از پیتر پرسید. پیتر گفت: "چون سوال او این بود: "چه کسی روی صندلی من چسب ریخته؟"

18.

Mr. White has a small shop in the middle of our town, and he sells pictures in it. They are not expensive ones, but some of them are quite pretty. Last Saturday a woman came into the shop and looked at a lot of pictures. Then she took Mr. White to one of them and said, 'How much do you want for this one?' It was a picture of horses in a field.

Mr. White looked at it for a few seconds and then went and brought his book. He opened it, looked at the first page and then said, 'I want twenty pounds for that one.'

The woman shut her eyes for a few seconds and then said, 'I can give you two pounds for it.'

'Two pounds?' Mr. White said angrily. 'Two pounds? But the canvas cost more than two pounds.'

'Oh, but it was clean then, the woman said.

ترجمه:

آقای وایت یک مغازه کوچک در وسط شهر ما دارد و در آن عکس می فروشد. آنها گران نیستند، اما برخی از آنها بسیار زیبا هستند. شنبه گذشته زنی وارد مغازه شد و عکس های زیادی را نگاه کرد. سپس آقای وایت را پیش یکی از آنها برد و گفت: «برای این یکی چقدر پول میگیری؟» اون یک عکس از اسب هایی در یک مزرعه بود.

آقای وایت برای چند ثانیه به آن نگاه کرد و سپس رفت و کتابش را آورد. او آن را باز کرد، به صفحه اول نگاه کرد و سپس گفت: «من برای آن بیست پوند می گیرم». زن برای چند ثانیه چشمانش را بست و سپس گفت: برای آن دو پوند به تو می دهم. آقای وایت با عصبانیت گفت: «دو پوند؟» اما قیمت بومش بیشتر از دو پوند است. زن گفت: اوه، اما آن موقع تمیز بود (خالی بود).

19.

Miss Green had a heavy cupboard in her bedroom. Last Sunday she said, 'I don't like this cupboard in my bedroom. The bedroom's very small, and the cupboard's very big. I'm going to put it in a bigger room. But the cupboard was very heavy, and Miss Green was not very strong. She went to two of her neighbors and said, 'Please carry the cupboard for me.' Then she went and made some tea for them.

The two men carried the heavy cupboard out of Miss Green's bedroom and came to the stairs. One of them was in front of the cupboard, and the other was behind it. They pushed and pulled for a long time, and then they put the cupboard down.

'Well,' one of the men said to the other, 'we're never going to get this cupboard upstairs.'

'Upstairs?' the other man said. 'Aren't we taking it down- stairs?'

ترجمه:

فانم گرین یک کمد سنگین در اتاق خوابش داشت. یکشنبه گذشته او گفت: "نمی فواهم این کمد در اتاق خوابم باشد. اتاق خواب بسیار کوچک و کمد بسیار بزرگ است. من می فواهم آن را در یک اتاق بزرگتر بگذارم. اما کمد خیلی سنگین بود و فانم گرین خیلی قوی نبود. پیش دو نفر از همسایه هایش رفت و گفت: «لطفاً کمد را برای من جا به جا کنید.» سپس رفت و برای آنها چای درست کرد.

دو مرد کمد سنگین را از اتاق خواب فانم گرین بیرون آوردند و به سمت پله ها آمدند. یکی جلوی کمد بود و دیگری پشت آن. مدت زیادی هل دادند و کشیدند و بعد کمد را گذاشتند پایین. یکی از مردها به دیگری گفت: "فب، ما هرگز موفق نمی شویم این کمد را به طبقه بالا ببریم."

مرد دیگر پرسید: "طبقه بالا؟" مگه نمی بریمش طبقه پایین؟

22.

George is a young man. He does not have a wife, but he has a very big dog and he has a very small car too. He likes playing tennis. Last Monday he played tennis for an hour at his club, and then he ran out and jumped into a car. His dog came after him, but it did not jump into the same car; it jumped into the next one.

Come here, silly dog!" George shouted at it but the dog stayed in the other car.

George put his key into the lock of the car, but the key did not turn. Then he looked at the car again. It was not his! He was in the wrong car! And the dog was in the right one! "He's sitting and laughing at me!" George said angrily. But then he smiled and got into his car with the dog.

ترجمه:

جورج مرد جوانی است. او زن ندارد، اما یک سگ بسیار بزرگ و یک ماشین بسیار کوچک نیز دارد. او دوست دارد تنیس بازی کند. دوشنبه گذشته او یک ساعت در باشگاهش تنیس بازی کرد و بعد از آن بیرون دوید و سوار ماشین شد. سگش به دنبالش آمد، اما داخل آن ماشین نپرید. و داخل ماشین بعدی پرید.

جورج بر سر آن فریاد زد: "بیا اینجا، سگ احمق!" اما سگ در ماشین دیگر ماند. جورج کلیدش را داخل قفل ماشین گذاشت، اما کلید نپرفید. بعد دوباره به ماشین نگاه کرد. آن مال او نبود او در ماشین اشتباهی بود و سگ در ماشین درست بود! جورج با عصبانیت گفت: "او نشسته و به من می‌خندد!" اما بعد لبخند ی زد و با سگ سوار ماشینش شد.

Answerseng

نمونه سوالات دو ترم قبل

Vocabulary

1. People on the train laughed at Mr. Jones after he quickly took his old bag and threw it out of the.....

- a. carriage
- b. booth
- c. shop
- d. camp

2. The room was crowded with small pieces of wooden..... covered with dust.

- a. coats
- b. gloves
- c. furniture
- d. paper

3. Mr. Robinson told his students that most wild animals are probably of human beings.

- a. happy
- b. afraid
- c. stupid
- d. kind

4. Our teacher was very. today because one student had put glue on his chair.

- a. angry
- c. strong
- b. happy
- d. proud

5. I am happy today because our teacher asked a difficult question in the class, and of the students answered except me.

- a. many
- b. none
- c. all
- d. some

6. It is difficult to find practical clothes in the small clothes shop in the town. But, I was lucky today because I found a(n) dress to buy for the wedding party.

- a. ugly
- b. serious
- c. pretty
- d. poor

7. Mrs. Brown took a mug from the and poured herself a cup of coffee.

- a. canvas
- b. picture
- c. cupboard
- d. map

8. Police officers at the airport our documents carefully.

- a. cleaned
- b. erased
- c. ignored
- d. inspected

9. I cannot find a job in this small but if I move to a big town, I can get a lot of money and send my family some weekly.

- a. house
- b. ocean
- c. village
- d. movie

Grammer

10. She is wearing boots boots are old.

- a. Your
- b. Her
- c. His
- d. Their

11. An orange is ...round.

- a. a
- b. an
- c. the
- d. —

12. make scrambled question in order.

the glasses- are- the table - on?

13. There Two boys in the class.

- a. is
- b. are
- c. have
- d. has

14. make scrambled question in order.

"You have a special grammar book"

you-have- do -a special grammar book?

15. In which of the following nouns "y" changes to "ies" in the plural form?

- a. City
- b. Key
- c. Delay
- d. Holiday

16. My dog has four puppies.....cute.

- a. Their
- b. It is
- c. They're
- d. Its

17. Which order shows the correct use of "should"?

I-should-to-not-home-stay

Reading

One of Harry's feet was bigger than the other. "I can never find boots and shoes for my feet," he told his friend Dick.

Why don't you go to a shoemaker? Dick said. "A good one can make you the right shoes.

I've never been to a shoemaker," Harry said. "Aren't they very expensive?"

"No," Dick said, "some of them aren't. There's a good one in our village, and he's quite cheap. Here's his address. He wrote something on a piece of paper and gave it to Harry. Harry went to the shoemaker in Dick's village a few days later, and the shoemaker made him some shoes. Harry went to the shop again a week later and looked at the shoes. Then he said to the shoemaker angrily, "You're a silly man! I said, make one shoe bigger than the other, but you've made one smaller than the other!"

18. Which of the following sentences is correct about Harry?

- a. Harry's feet were of the same size.
- b. Harry had never been to a shoemaker.
- c. The shoemaker was from Harry's village.
- d. Harry went back to the shoemaker two weeks later.

19. In line 5, what does "he" refer to?

- a. Harry
- b. Dick's Friend
- c. Dick
- d. Shoemaker

20. When did Harry go to the shoemaker again?

- a. One week later
- b. A few days later
- c. Two weeks later
- d. The next day

Miss Williams was a teacher, and thirty small children were in her class. They were lovely children, and Miss Williams liked all of them, but they often lost clothes. It was winter, and the weather was very cold. The children's mothers always sent them to school with warm coats, hats, and gloves. The children came into the classroom in the morning and took off their coats, hats, and gloves. They put their coats and hats on hooks on the wall and put their gloves in the pockets of their coats. Last Tuesday, Miss Williams found two small blue gloves on the floor in the evening, and in the morning, she said to the children, "Whose gloves are these?" but no one answered.

Then she looked at Dick. "Haven't you got blue gloves, Dick?" she asked him.

'Yes, miss,' he answered, but those can't be mine. I've lost mine.'

True or false

21. There were forty children in Miss Williams' class.

22. Miss Williams found one small glove.

23. She found the gloves in the morning.

24. The gloves were Dick's.

25. Which of the following a, b, c, or d is the name of The Airport Express Train in OSLO?

- a. Nationaltheatret
- b. Sentralstasjon
- c. Flytoget
- d. Oslo

Public Transport into Oslo

TRAIN: The Airport Express Train (Flytoget) is the quickest way (Journey time: 20 minutes) into the city center. Some Flytoget trains run between the airport and Oslo Sentralstasjon only. Others also stop at underground stations, including the main underground station Nationaltheatret.

26. The author mentions "20 minutes" in the text to talk about the Train's Journey time between Airport and

- a. Nationaltheatret.
- b. City Center
- c. Oslo Sentralstasjon.
- d. Unerground

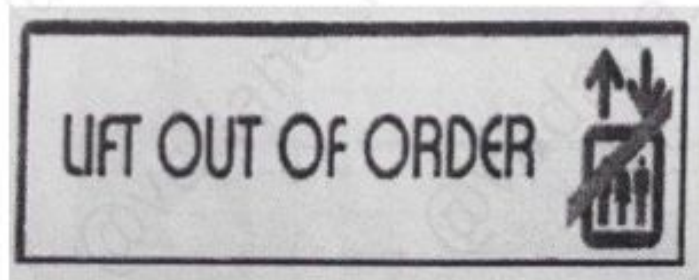
27. What does the sign mean?

- a. Only fire can exit.
- b. This door is always open.
- c. You can get out when there is a fire.
- d. Anyone can get out.



28. What does the sign mean?

- a. You can go up to the second floor in the lift.
- b. You can go up to the first floor in the lift.
- c. The lift does not work.
- d. The lift is out of reach.



29. According to the shop opening hours on the right, HMV records is....

- a. open at 8 pm on Thursday.
- b. close at 4 pm on Sundays.
- c. open at 10 am at weekdays.
- d. close at 8.30 am on weekends.

30. Shila wants to go to HMV records. She thought "Perhaps I can go before I go to school at 9 am". Which question does she need to know the answer to?

- a. Is it open on Sundays?
- b. Is it open late one evening?
- c. What time does it open in the morning?
- d. What time does it close in the evening?

HMV records	
Monday	08.30 – 6.30
Tuesday	08.30 – 6.30
Wednesday	08.30 – 6.30
Thursday	08.30 – 7.00
Friday	08.30 – 6.30
Saturday	08.30 – 6.30
Sunday	11.00 – 5.00

True or false

31. The cheapest starter is the soup of the day.

32. Thai chicken is suitable for vegetarians.

33. One can have fruit for a starter.

appetisers

Goat's cheese salad

Soft cheese on a mixed salad.

£3.75

Thai chicken


Tender chicken pieces served with a sweet Thai sauce.

£3.25

Soup of the day

Ask a member of staff for today's soup. Served with a bread roll & butter.

£2.95

 Suitable for vegetarians.

@Answerseng

Mr. Ahmadi would like to choose a place to stay. He asks SOME

Negertiti Hotel

Luxor, Egypt

FREE SERVICES

For our guests, we provide free luggage storage and showers after checkout. Brochures and maps are available at the front desk. As always, we offer friendly and helpful service.

We also have:

- Satellite TV in the public rooms
- Internet service
- Laundry service
- Bike rentals
- Transportation
- Room service
- Souvenir shop

@Answerseng

QUESTIONS. Using the text below, decide which sentences are true and which are false.

34. Can I use the Internet?

35. Is there a laundry service?

36. Can I buy some cinema tickets there?

نمونه سوالات دو ترم قبل همراه جواب و توضیح

Vocabulary

1. People on the train laughed at Mr. Jones after he quickly took his old bag and threw it out of the.....

- a. carriage
- b. booth
- c. shop
- d. camp

گزینه a: سوال از ریدینگ 1 است که گفته آقای جونز سریع وسایلش را از ... بیرون انداخت که میشه carriage به معنی کابین.

2. The room was crowded with small pieces of wooden..... covered with dust.

- a. coats
- b. gloves
- c. furniture
- d. paper

گزینه c: سوال گفته اتاق پر بود از قطعات کوچک چوبی که با خاک پوشیده شده بود که گزینه سی به معنای اثاثیه و وسایل منطقی ترین گزینه است

3. Mr. Robinson told his students that most wild animals are probably of human beings.

- a. happy
- b. afraid
- c. stupid
- d. kind

گزینه b: آقای رابینسون گفته خطرناک ترین حیوانات احتمالا از انسان که گزینه b بمعنای ترسیدن (می ترسن) صحیحه

4. Our teacher was very. today because one student had put glue on his chair.

- a. angry
- c. strong
- b. happy
- d. proud

گزینه a: گفته معلم ما امروز خیلی بود چون یکی از دانش آموزها روی صندلیش چسب ریخته بود
که میشه گزینه a بمعنای عصبانی

5. I am happy today because our teacher asked a difficult question in the class, and of the students answered except me.

- a. many
- b. none
- c. all
- d. some

گزینه b: گفته امروز خوشحالم چون معلم ما یک سوال سخت پرسید و دانش آموز جواب دادن بجز من خب چون گفته خوشحالم یعنی سوال سخت را جواب داده پس گزینه b میشه یعنی هیچکدام چون گزینه های دیگر برای مثال تعدادی باعث میشه جمله آخر منفی بشه یعنی جواب نداده.

6. It is difficult to find practical clothes in the small clothes shop in the town. But, I was lucky today because I found a(n) dress to buy for the wedding party.

- a. ugly
- b. serious
- c. pretty
- d. poor

گزینه c: گفته سخت بود که لباس مناسب را در لباس فروشی های کوچک شهر پیدا کنم اما خوش شانس بودم چون یک لباس زنانه پیدا کردم که برای مراسم عروسی بخرم. چون میگه خوش شانس بودم یعنی یک لباس خوب پیدا کرده و تنها صفت مثبت در گزینه ها pretty به معنای زیباست.

7. Mrs. Brown took a mug from the and poured herself a cup of coffee.

- a. canvas
- b. picture
- c. cupboard
- d. map

گزینه c: چون گفته خانوم براون یک لیوان از برداشت و برای خودش قهوه ریخت که میشه cupboard به معنای کابینت یا قفسه

8. Police officers at the airport our documents carefully.

- a. cleaned
- b. erased
- c. ignored
- d. inspected

گزینه d: چون گفته افسران پلیس در فرودگاه مدارک ما را با دقت کردن که میشه inspected به معنای بازرسی کردن.

9. I cannot find a job in this small but if I move to a big town, I can get a lot of money and send my family some weekly.

- a. house
- b. ocean
- c. village
- d. movie

گزینه c: چون گفته من نمی توانم در این کوچک کار پیدا کنم اما آگه برم به یک شهر بزرگ می تونم کلی پول در بیاورم و مقداری از آنرا هفتگی برای خانواده ام بفرستم که میشه village به معنای روستا.

Grammer

10. She is wearing boots boots are old.

- a. Your
- b. Her
- c. His
- d. Their

گزینه b: طبق توضیحات بخش گرامر صفت مالکیت her she می شود ترجمه او چکمه پوشیده چکمه هایش قدیمی هستند.

11. An orange is ...round.

- a. a
- b. an
- c. the
- d. -

گزینه d: چون برای round یعنی گرد که صفت است آوردن a / an / the اشتباهه

12. make scrambled question in order.

the glasses- are- the table - on?

گفته جمله سوالی را مرتب کنید با توجه به علامت سوال و وجود فعل tobe (are) فعل ثوبی را ابتدا
جمله سوالی می آوریم سپس فاعل و بقیه جمله are the glasses on the table ?

13. There Two boys in the class.

- a. is
- b. are
- c. have
- d. has

گزینه b: خب می دانیم که بعد از there have و has نمی آید بلکه فعل tobe می آید دو پسر سوم شخص جمع است پس are گزینه صحیح است.

14. make scrambled question in order.

"You have a special grammar book"

you-have- do -a special grammar book?

جمله سوالیه و have و do داریم پس با do جمله را سوالی می کنیم بعدش فاعل و بعد فعل have و ادامه جمله

Do you have a special grammar book?

15. In which of the following nouns "y" changes to "ies" in the plural form?

- a. City
- b. Key
- c. Delay
- d. Holiday

گزینه a: همانطور که در بخش گرامر گفته شد اگر قبل y حرف صدا دار باشد کلمه با ies به شکل جمع تبدیل میشود که city تنها گزینه است که قبل y حرف بی صدا آمده.

16. My dog has four puppies.....cute.

- a. Their
- b. It is
- c. They're
- d. Its

گزینه c: گفته سگ من چهار توله داره چون تعداد توله سگ ها بیشتر از یکی است پس از they're به معنای آنها هستند استفاده می کنیم معنای کامل جمله: سگ من چهار توله دارد آنها بانمک هستند.

17. Which order shows the correct use of "should"?

I-should-to-not-home-stay

سوال گفته چگونه از فعل should استفاده می شود خب اول فاعل را می آوریم سپس فعل کمکی should سپس not سپس فعل اصلی و ادامه جمله to اضافی است. I should not stay home.

Reading

One of Harry's feet was bigger than the other. "I can never find boots and shoes for my feet," he told his friend Dick.

Why don't you go to a shoemaker? Dick said. "A good one can make you the right shoes.

I've never been to a shoemaker," Harry said. "Aren't they very expensive?"

"No," Dick said, "some of them aren't. There's a good one in our village, and he's quite cheap. Here's his address. He wrote something on a piece of paper and gave it to Harry. Harry went to the shoemaker in Dick's village a few days later, and the shoemaker made him some shoes. Harry went to the shop again a week later and looked at the shoes. Then he said to the shoemaker angrily, "You're a silly man! I said, make one shoe bigger than the other, but you've made one smaller than the other!"

ترجمه این ریڈینگ در صفحه 23 بطور کامل وجود دارد.

18. Which of the following sentences is correct about Harry?

- a. Harry's feet were of the same size.
- b. Harry had never been to a shoemaker.
- c. The shoemaker was from Harry's village.
- d. Harry went back to the shoemaker two weeks later.

گزینه b: سوال گفته کدام گزینه راجب هری صحیحه گزینه اول: پایهای هری هم سایز بود که می دانیم اینطور نبود گزینه دوم: هری قبلا هیچوقت به کفاشی نرفته بود که صحیه گزینه سوم کفاش از روستای هری بود که نادرسته گزینه چهارم: هری دو هفته بعد برگشت پیش کفاش که طبق ریڈینگ یک هفته بعد برگشت پس نادرسته.

19. In line 5, what does "he" refer to?

- a. Harry
- b. Dick's Friend
- c. Dick
- d. Shoemaker

گزینه d: گفته در خط پنجم منظور he (که زیر آن خط کشیده) چه کسی است که باتوجه به جمله های قبل می دانیم راجب کفاش حرف می زند که قیمت هایش ارزان است.

20. When did Harry go to the shoemaker again?

- a. One week later
- b. A few days later
- c. Two weeks later
- d. The next day

گزینه a: پرسیده هری کی دوباره به کفاشی برگشت ؟ که طبق ریڈینگ یک هفته بعد برگشت.

Miss Williams was a teacher, and thirty small children were in her class. They were lovely children, and Miss Williams liked all of them, but they often lost clothes. It was winter, and the weather was very cold. The children's mothers always sent them to school with warm coats, hats, and gloves. The children came into the classroom in the morning and took off their coats, hats, and gloves. They put their coats and hats on hooks on the wall and put their gloves in the pockets of their coats. Last Tuesday, Miss Williams found two small blue gloves on the floor in the evening, and in the morning, she said to the children, "Whose gloves are these?" but no one answered.

Then she looked at Dick. "Haven't you got blue gloves, Dick?" she asked him.

'Yes, miss,' he answered, but those can't be mine. I've lost mine.'

ترجمه این ریڈینگ در صفحه 26 بطور کامل وجود دارد.

True or false

21. There were forty children in Miss Williams' class.

False زیرا گفته 40 دانش آموز در کلاس خانم ویلیامز هست در حالی که طبق ریڈینگ 30 دانش آموز دارد.

22. Miss Williams found one small glove.

False گفته خانوم ویلیامز یک دستکش کوچک پیدا کرد در حالی که دو دستکش کوچک پیدا کرده بود.

23. She found the gloves in the morning.

False گفته خانوم ویلیامز صبح دستکش ها را پیدا کرد در حالی که در ریڈینگ گفته شده آنها را عصر پیدا کرد.

24. The gloves were Dick's.

True گفته دستکش ها مال دیک بودن که درسته.

Public Transport into Oslo

TRAIN: The Airport Express Train (Flytoget) is the quickest way (Journey time: 20 minutes) into the city center. Some Flytoget trains run between the airport and Oslo Sentralstasjon only. Others also stop at underground stations, including the main underground station Nationaltheatret.

25. Which of the following a, b, c, or d is the name of The Airport Express Train in OSLO?

- a. Nationaltheatret
- b. Sentralstasjon
- c. Flytoget
- d. Oslo

گزینه c: گفته کدام گزینه اسم قطار سریع فرودگاه اسلو است که داخل تصویر قابل مشاهده است.

26. The author mentions "20 minutes" in the text to talk about the Train's Journey time between Airport and

- a. Nationaltheatret.
- b. City Center
- c. Oslo Sentralstasjon.
- d. Unerground

گزینه b: گفته نویسنده اشاره کرده که قطار از فرودگاه تا را در 20 دقیقه می رود

27. What does the sign mean?

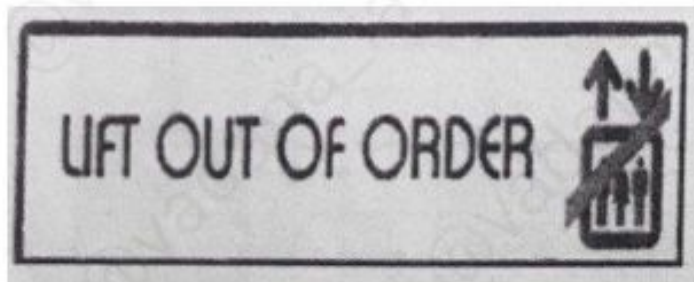
- a. Only fire can exit.
- b. This door is always open.
- c. You can get out when there is a fire.
- d. Anyone can get out.



گزینه c: گفته تابلو به چه معناست. این تابلو خروج اضطراریه. گزینه c میشه که گفته شما می توانید خارج شوید اگر آتش سوزی شده باشد.

28. What does the sign mean?

- a. You can go up to the second floor in the lift.
- b. You can go up to the first floor in the lift.
- c. The lift does not work.
- d. The lift is out of reach.



گزینه C: گفته تابلو به چه معناست. این تابلو آسانسور خراب است می باشد. جواب میشه گزینه C به معنی آسانسور کار نمی کند.

29. According to the shop opening hours on the right, HMV records is....

- a. open at 8 pm on Thursday.
- b. close at 4 pm on Sundays.
- c. open at 10 am at weekdays.
- d. close at 8.30 am on weekends.

گزینه C: سوال ساده است گفته طبق جدول ساعات کاری که در سمت راست آمده کدام گزینه صحیح است که با مقایسه ساده می توان فهمید تنها گزینه C صحیح است که گفته ساعت ده صبح روز های هفته (غیر تعطیل) فروشگاه باز است.

HMV records	
Monday	08.30 – 6.30
Tuesday	08.30 – 6.30
Wednesday	08.30 – 6.30
Thursday	08.30 – 7.00
Friday	08.30 – 6.30
Saturday	08.30 – 6.30
Sunday	11.00 – 5.00

30. Shila wants to go to HMV records. She thought "Perhaps I can go before I go to school at 9 am". Which question does she need to know the answer to?

- a. Is it open on Sundays?
- b. Is it open late one evening?
- c. What time does it open in the morning?
- d. What time does it close in the evening?

گزینه C: سوال گفته شیدا می خواد قبل مدرسه اش که ساعت 9 صبح باز میشه برود به این فروشگاه چه سوالی باید بپرسه که جواب میشه گزینه C به معنای اینکه فروشگاه صبح ها کی باز می کنه.

True or false

31. The cheapest starter is the soup of the day.

گفته سوپ روز ارزون ترین
True
پیش غذاست

32. Thai chicken is suitable for vegetarians.

گفته مرغ تایلندی برای
False
گیاهخواران مناسب است که
غلطه چون علامت v جلوش
نیست

33. One can have fruit for a starter.

False

گفته یک نفر می تواند میوه
بخوره که توی منو نیست

appetisers

Goat's cheese salad 🌱

£3.75

Soft cheese on a mixed salad.

Thai chicken

£3.25

Tender chicken pieces served with a sweet Thai sauce.

Soup of the day 🌱

£2.95

Ask a member of staff for today's soup. Served with a bread roll & butter.

🌱 Suitable for vegetarians.

Negertiti Hotel

Luxor, Egypt

FREE SERVICES

For our guests, we provide free luggage storage and showers after checkout. Brochures and maps are available at the front desk. As always, we offer friendly and helpful service.

We also have:

- Satellite TV in the public rooms
- Internet service
- Laundry service
- Bike rentals
- Transportation
- Room service
- Souvenir shop

Mr. Ahmadi would like to choose a place to stay. He asks SOME QUESTIONS. Using the text below, decide which sentences are true and which are false.

34. Can I use the Internet?

False می خواد هتل انتخاب کند پرسیدن سوال می توانم از اینترنت استفاده کنم اشتباهه

35. Is there a laundry service?

True پرسیدن اینکه اینجا سرویس شست وشو لباس داره صحیح است.

36. Can I buy some cinema tickets there?

False پرسیدن آیا می توانم بلیط سینما بخرم ربطی به انتخاب هتل ندارد.

نمونه سوالات ترم قبل

A. Read the following questions and choose the best answer.

1. Which statement is true?

- a. Cheeseburger is the dessert in the menu.
- b. Coffee and vanilla cake is the appetizer in the menu.
- c. Thai chicken is the dessert in the menu.
- d. Soup of the day is the appetizer in the menu.

2. Which statement is false? In a department store, you can find a. mobile phones in the gadget and games department.

- b. ties in the men's accessories department.
- c. boots in the women's footwear department.
- d. baby clothes in the gadget and games department.

3. Which of the followings means "You cannot go up to the second floor in the elevator"?

- a. Fire Exit Only
- b. Buy 1 Get 1 Half Price
- c. Lift Out of Order.
- d. Tax free Shopping.

4. You are in a department store and you look for the sign "Escalator" because you want to

- a. buy tax free clothes
- b. go up to the second floor
- c. put on a pair of trousers
- d. order a glass of juice

5. At a Currency Exchange, the customer asks the question ". .?"

- a. Can I help you
- b. Would you like traveler's cheques
- c. Can I have a receipt
- d. Would you like cash

6. Mr. Robinson's teeth began hurting a lot, so he went to a

- a. restaurant
- b. dentist
- c. florist
- d. department store

7. Dave worked in a factory and he always sandwiches in the morning and ate them at midday.

- a. cooked
- b. did
- c. baked
- d. made

8. Mick the eggs and earned a lot of money.

- a. took
- b. bought
- c. thought
- d. sold

9. All the suitcases and bags that you take with you when you travel is called the

- a. passport
- b. trolleys
- c. baggage
- d. surveillance

10. I can't go to the supermarket during the week but I can go the weekend.

- a. with
- b. on
- c. at
- d. to

11. A small boy stopped and looked at John a few seconds.

- a. from
- b. with
- c. by
- d. for

12. Jack went to Manchester train.

- a. on
- b. with
- c. by
- d. in

13. A vegetarian would order in a restaurant.

- a. fish and chips
- b. sirloin steak
- c. cheese and onion tart
- d. sausage and mash

14. Relax with a tasty full breakfast from our breakfast buffet. The word "tasty" means....

- a. sweet
- b. delicious
- c. hot
- d. salty

15. Mieko is going to purchase some traveler's cheques. The word "purchase" means...

- a. complete
- b. sell
- c. exchange
- d. buy

16. The first ATM was at Barclays Bank in London. It was installed in 1967. The word "install" means...

- a. continue
- b. sell
- c. set up
- d. cover

17. Brochures and maps are available at the front desk in the hotel. The word "available" means

- a. cheap
- b. rented
- d. single
- c. ready

18. Some people in his hometown wanted to remember him. So, they put up a big statue of him on a horse. The antonym (opposite) for the word "remember" is

- a. talk about
- b. remind
- c. forget
- d. save

19. Read the following statements. Then, choose the best answer.
"Jack went to Manchester by train. He left the station, and thought, the office isn't far from the station. I'll find it easily."

- a. The train station was very far from Manchester.
- b. Jack thought the office was close to the train station.
- c. Jack thought Manchester was close to his town.
- d. The train station was very far from the office.

20. Read the following statements. Then, choose the best answer.
"Mick's neighbor had a big garden too, and he also had vegetables and nice fat chickens in it. There was a wire fence between the gardens, but it was very old."

- a. Mick's neighbor's garden was bigger than Mick's.
- b. Mick's garden was bigger than his neighbor's.
- c. Both Mick and his neighbor had big gardens, vegetable and chickens.
- d. Mick made a new wire fence between the gardens.

21. "Cold and flu drink provides quick and effective relief from the major cold and flu symptoms in a comforting honey and lemon hot drink." What is the drink for?

- a. muscular pain
- b. migraine
- c. sore throat
- d. dental pain

B. Read the following passages and answer the questions.

The Nefertiti Hotel was the first budget hotel in Luxor and is in the heart of the historical district. To the west, the hotel overlooks the ancient Luxor Temple and the Avenue of the Sphinxes, the river Nile and the West Bank Mountains.

22. Which of the following items is true?

- a. The Nefertiti Hotel is a small and cheap hotel.
- b. The Nefertiti Hotel is a top-class luxury hotel.
- c. The Nefertiti Hotel is an expensive hotel.
- d. The Nefertiti Hotel is a free hotel.

Adults, the elderly, children 12 years and older: swallow 2 tablets with water. Then, if necessary, take 1 or 2 tablets every 4 hours. Do not exceed 6 tablets in 24 hours. Not suitable for children under 12 years. If symptoms persist or worsen, or if new symptoms occur, consult your doctor or pharmacist.

23. According to the instructions, choose the correct advice.

- a. you can take 4 tablets every 2 hours.
- b. you should not drink water with tablets.
- c. you can take more than 6 tablets a day.
- d. you should take two tablets the first time.

24. Neurofen tablet is harmful for.

- a. children under 12
- b. the elderly
- c. children over 12
- d. adults

25. You can visit your doctor if.

- a. you feel new signs of sickness
- b. you feel better
- c. you take 4 tablets a day
- d. symptoms of your sickness improve

Neurofen works where it's needed-at the site of pain. It quickly relieves pain, reduces inflammation, and lowers temperature. It relieves dental pain, muscular pain, cold and flu symptoms, feverishness and migraine.

26. Neurofen relieves dental pain. Dental pain means...

- a. backache
- b. stomachache
- c. toothache
- d. headache

27. "It relieves feverishness" means...

- a. it reduces inflammation
- b. it improves headache.
- c. it lowers high temperature
- d. it worsens muscular pain.

28. "It relieves muscular pain" means you can use Neurofen if

- a. you have a headache
- b. you feel cold
- c. you have pulled a muscle in your leg
- d. you have sore throat

A. Read the following questions and choose the best answer.

1. Which statement is true?

- a. fish and chips is the main course in the menu.
- b. sausage and mash is the appetizer in the menu.
- c. tea and chocolate cake is the appetizer in the menu.
- d. soup of the day is the dessert in the menu.

2. Which statement is false?

- a. Coffee is chunky.
- b. the liquid which goes with food is the sauce.
- c. a cut of meat is sirloin.
- d. you can cut the cake into slices.

3. Just book and pay at reception when you check in. The word "book" means

- a. travel
- b. reserve
- c. relax
- d. call back

4. "Mind your head" is a notice on a shop's windows. The word "mind" means.....

- a. touch
- b. be careful of
- c. look for
- d. relax

5. If symptoms continue consult your doctor. The word "symptom" means....

- a. tablet
- b. pain
- c. sign
- d. warning

6. You are a great teacher. I enjoyed all your classes. The word "great" means.....

- a. curious
- b. angry
- c. wonderful
- d. large

7. General Pershing was a famous American officer. The synonym (meaning) for famous is

- a. well-known
- b. experienced
- c. professional
- d. great

8. Which statement is the meaning of "We do not accept cheques or credit cards"?

- a. You must pay in cash.
- b. The shop is open one evening.
- c. You can shop here six days a week.
- d. You can't get out here.

9. Which statement is false? In a department store, you can find

- a. boots in the women's footwear department.
- b. suitcase in the luggage department.
- c. perfume in the gadget and games department.
- d. necklace in the women's accessories department.

10. Which statement is the meaning of "Sales Start Today: Up to 30% of Our Original Prices"?

- a. Things are as cheap as last week.
- b. Things cost more than usual.
- c. Things cost less than usual.
- d. Things are not 30% cheaper.

11. Which statement is the meaning of "You can shop here six days a week"?

- a. Late night shopping: Thursdays-till 8 pm
- b. Open daily 10-6 Except Mondays
- c. Please use other doors
- d. Shoes Repaired While You Wait

12. At a Currency Exchange the assistant asks the question ".

- a. Would you like cash or traveler's cheques
- b. Would I pay in cash
- c. How much commission do you charge
- d. Can I have a receipt

13. The from an ATM shows how much money you got.

- a. commission
- b. receipt
- c. credit card
- d. passport

14. If you're returning from your journey within 31 days, we will buy back your foreign and traveler's cheques.

- a. receipt
- b. commission
- c. currency
- d. notes

15. Which statement is true for "Mr. Robinson never went to a dentist, because he was afraid"?

- a. Mr. Robison was never afraid of the dentist
- b. Mr. Robinson was a frightening dentist.
- c. The dentist helped Mr. Robinson.
- d. Mr. Robinson was afraid to fix his teeth.

16. One day Billy tried to..... a picture of his father on the board.

- a. draw
- b. make
- c. continue
- d. shape

17. Billy's mother was very bad drawing.

- a. at
- b. with
- c. by
- d. to

18. People at the airportcustoms.

- a. go through
- b. show
- c. carry
- d. collect

19. My work finishes at 6 and I can go to the supermarket..... my way home.

- a. on
- b. at
- c. to
- d. from

20. Billy's mother often drew him some pictures on old pieces of paper. What is the antonym (opposite) for old?

- a. new
- b. young
- c. fresh
- d. modern

نمونه سوالات ترم قبل همراه جواب و توضیح

A. Read the following questions and choose the best answer.

1. Which statement is true?

- a. Cheeseburger is the dessert in the menu.
- b. Coffee and vanilla cake is the appetizer in the menu.
- c. Thai chicken is the dessert in the menu.
- d. Soup of the day is the appetizer in the menu.

سوال گفته کدام جمله درست است که همیشه گزینه D

- ترجمه گزینه ها: A. در منو پیژبرگر دسر است. B. در منو قهوه و کیک وانیلی پیش غذا است.
C. در منو مرغ تایلندی دسر است. D. در منو سوپ روز پیش غذا است.

2. Which statement is false? In a department store, you can find

- a. mobile phones in the gadget and games department.
- b. ties in the men's accessories department.
- c. boots in the women's footwear department.
- d. baby clothes in the gadget and games department.

ترجمه سوال : کدام عبارت نادرست است؟ در یک فروشگاه بزرگ می توانید پیدا کنید

- آ. تلفن های همراه در بخش گجت و بازی. ب. کراوات در بخش لوازم جانبی مردانه.
ج. چکمه در بخش کفش زنانه. د. لباس کودک در بخش گجت و بازی.
گزینه D مشود چرا که لباس کودک در بخش گجت و تکنولوژی نیست.

3. Which of the followings means "You cannot go up to the second floor in the elevator"?

- a. Fire Exit Only
- b. Buy 1 Get 1 Half Price
- c. Lift Out of Order.
- d. Tax free Shopping.

ترجمه سوال : کدام یک از موارد زیر به معنای "نمی توانید با آسانسور به طبقه دوم بروید" است؟

- آ. خروج اضطراری
 - ب. ا عدد بفرید ا نصف قیمت
 - ج. آسانسور فراب است.
 - د فرید بدون مالیات
- گزینه C میشود از ترجمه مشخصه.

4. You are in a department store and you look for the sign "Escalator" because you want to

- a. buy tax free clothes
- b. go up to the second floor
- c. put on a pair of trousers
- d. order a glass of juice

ترجمه سوال : شما در یک فروشگاه بزرگ هستید و به دنبال علامت "پله برقی" می گردید زیرا می فواید

- آ. فرید لباس معاف از مالیات بروید
 - ب به طبقه دوم بروید
 - ج. یک شلوار بپوشید
 - د یک لیوان آب میوه سفارش دهید
- گزینه B میشود از ترجمه مشخصه

5. At a Currency Exchange, the customer asks the question ". . .?"

- a. Can I help you
- b. Would you like traveler's cheques
- c. Can I have a receipt
- d. Would you like cash

ترجمه سوال : در صرافی، مشتری این سوال را می پرسد ". . ."
آ. میتونم کمکتون کنم ب آیا می فواید پک مسافرتی بگیرید
ج میتونم رسید بگیرم د آیا پول نقد می فواید
گزینه C میشود از ترجمه مشخصه

6. Mr. Robinson's teeth began hurting a lot, so he went to a

- a. restaurant
- b. dentist
- c. florist
- d. department store

ترجمه سوال : دندان های آقای رابینسون شروع به درد شدید کردند، بنابراین او به یک رفت.
آ. رستوران ب دندانپزشک ج کل فروشی د فروشگاه بزرگ
باتوجه به ترجمه گزینه B میشود.

7. Dave worked in a factory and he always sandwiches in the morning and ate them at midday.

- a. cooked
- b. did
- c. baked
- d. made

گزینه D میشود چون فعل قبل ساندویچ اومده و ساندویچ را نمی پزن که بقیه گزینه ها بشه بلکه ساندویچ را درست می کنن یعنی made

8. Mick the eggs and earned a lot of money.

- a. took
- b. bought
- c. thought
- d. sold

گزینه D میشه چون گفته مایک تخم مرغ ها رو با فالی و مقدار زیادی پول بدست آورده طبیعتاً تخم مرغ ها رو فروخته که پول بدست آورده.

9. All the suitcases and bags that you take with you when you travel is called the

- a. passport
- b. trolleys
- c. baggage
- d. surveillance

گزینه C میشود گفته همه چمدان ها و بار هایی که به مسافرت می برن نامیده می شود گزینه baggage به معنای بار سفر است.

10. I can't go to the supermarket during the week but I can go the weekend.

- a. with
- b. on
- c. at
- d. to

گزینه B میشود چون قبل weekend از حرف اضافه on استفاده می کنیم.

11. A small boy stopped and looked at John a few seconds.

- a. from
- b. with
- c. by
- d. for

گزینه D میشود چون گفته به پسر بچه ایستاد و چند ثانیه به جان فیره شد میشه گزینه D به معنای برای.

12. Jack went to Manchester train.

- a. on
- b. with
- c. by
- d. in

گزینه C میشود چون گفته یک رفت به منچستر قطار برای بیان وسیله نقلیه از by استفاده می کنیم به معنای با.

13. A vegetarian would order in a restaurant.

- a. fish and chips
- b. sirloin steak
- c. cheese and onion tart
- d. sausage and mash

ترجمه سوال : یک گیاهخوار در یک رستوران سفارش می دهد.

آ. ماهی و پیپس ب استیک راسته ج. تارت پنیر و پیاز د سوسیس و پوره
باتوجه به ترجمه گزینه C میشود.

14. Relax with a tasty full breakfast from our breakfast buffet. The word "tasty" means....

- a. sweet
- b. delicious
- c. hot
- d. salty

گزینه B همیشه گفته tasty به چه معناست که هم معنی delicious به معنی خوشمزه است.

15. Mieko is going to purchase some traveler's cheques. The word "purchase" means

- a. complete
- b. sell
- c. exchange
- d. buy

گزینه D همیشه گفته purchase به چه معناست که هم معنی buy به معنی خرید است.

16. The first ATM was at Barclays Bank in London. It was installed in 1967. The word "install" means

- a. continue
- b. sell
- c. set up
- d. cover

گزینه C همیشه گفته install به چه معناست که هم معنی set up به معنی نصب کردن است.

17. Brochures and maps are available at the front desk in the hotel. The word "available" means

- a. cheap
- b. rented
- c. ready
- d. single

گزینه C همیشه گفته available به چه معناست که هم معنی ready به معنی آماده و در دسترس است.

18. Some people in his hometown wanted to remember him. So, they put up a big statue of him on a horse. The antonym (opposite) for the word "remember" is

- a. talk about
- b. remind
- c. forget
- d. save

گزینه C همیشه گفته مخالف کلمه remember به معنای به یاد آوردن می باشد forget به معنی فراموش کردن می باشد.

19. Read the following statements. Then, choose the best answer.
"Jack went to Manchester by train. He left the station, and thought, the office isn't far from the station. I'll find it easily."

- a. The train station was very far from Manchester.
- b. Jack thought the office was close to the train station.
- c. Jack thought Manchester was close to his town.
- d. The train station was very far from the office.

ترجمه سوال: عبارات زیر را بخوانید. سپس، بهترین پاسخ را انتخاب کنید. "جک با قطار به منچستر رفت. او ایستگاه را ترک کرد و فکر کرد، دفتر از ایستگاه دور نیست. من آن را به راحتی پیدا می‌کنم."

آ. ایستگاه قطار خیلی از منچستر دور بود.

ب. جک فکر می‌کرد دفتر نزدیک به ایستگاه قطار است.

ج. جک فکر می‌کرد منچستر به شهرش نزدیک است.

د. ایستگاه قطار خیلی از دفتر دور بود.

مشفه گزینه B

20. Read the following statements. Then, choose the best answer.
"Mick's neighbor had a big garden too, and he also had vegetables and nice fat chickens in it. There was a wire fence between the gardens, but it was very old."

- a. Mick's neighbor's garden was bigger than Mick's.
- b. Mick's garden was bigger than his neighbor's.
- c. Both Mick and his neighbor had big gardens, vegetable and chickens.
- d. Mick made a new wire fence between the gardens.

جملات زیر را بفوانید. سپس، بهترین پاسخ را انتخاب کنید. "همسایه مایک هم یک باغ بزرگ داشت و او هم سبزیجات و مرغ های چاق در باغش داشت. یک مزار سیمی بین باغ ها وجود داشت، اما خیلی قدیمی بود."

آ. باغ همسایه مایک بزرگتر از باغ مایک بود.

ب. باغ مایک بزرگتر از باغ همسایه اش بود.

ج. هم مایک و هم همسایه اش باغ های بزرگ، سبزیجات و مرغ داشتند.

د. مایک یک مزار سیمی جدید بین باغ ها ساخت.

اطلاعات سوال میگوید همسایه مایک هم باغ بزرگ داشت و... یعنی مایک هم باغ بزرگ و مرغ و سبزیجات داشته پس گزینه C درست است.

21. "Cold and flu drink provides quick and effective relief from the major cold and flu symptoms in a comforting honey and lemon hot drink." What is the drink for?

- a. muscular pain
- b. migraine
- c. sore throat
- d. dental pain

گفته نوشیدنی سرماخوردگی و آنفولانزا علائم اصلی سرماخوردگی و آنفولانزا را از بین می برد در نوشیدنی داغ عسل و لیمو. نوشیدنی برای چیست؟

که همیشه گزینه C به معنای گلو درد زیرا دیگر گزینه ها جزو علائم سرما خوردگی و آنفولانزا نیست

B. Read the following passages and answer the questions.

The Nefertiti Hotel was the first budget hotel in Luxor and is in the heart of the historical district. To the west, the hotel overlooks the ancient Luxor Temple and the Avenue of the Sphinxes, the river Nile and the West Bank Mountains.

هتل نفریتی اولین هتل ارزان قیمت در Luxor بود و در قلب منطقه تاریخی قرار دارد. در غرب، هتل مشرف به معبد باستانی Luxor و فیابان Sphinxes، رودخانه نیل و کوه‌های کرانه بافتی است.

22. Which of the following items is true?

- a. The Nefertiti Hotel is a small and cheap hotel.
- b. The Nefertiti Hotel is a top-class luxury hotel.
- c. The Nefertiti Hotel is an expensive hotel.
- d. The Nefertiti Hotel is a free hotel.

کدام یک از موارد زیر صمیم است؟

ب هتل نفریتی یک هتل مجلل درجه یک است.

آ. هتل نفریتی یک هتل کوچک و ارزان است.

د هتل نفریتی یک هتل رایگان است.

ج. هتل نفریتی یک هتل گران قیمت است.

طبق ردینگ آمده گزینه A صمیم تست.

Adults, the elderly, children 12 years and older: swallow 2 tablets with water. Then, if necessary, take 1 or 2 tablets every 4 hours. Do not exceed 6 tablets in 24 hours. Not suitable for children under 12 years. If symptoms persist or worsen, or if new symptoms occur, consult your doctor or pharmacist.

بزرگسالان، سالمندان، کودکان 12 سال و بزرگتر: 2 قرص را با آب ببلعید. سپس در صورت لزوم 1 یا 2 قرص هر 4 ساعت مصرف شود. بیشتر از 6 قرص در 24 ساعت زیاده روی نکنید. برای کودکان زیر 12 سال مناسب نیست. در صورت تداوم یا بدتر شدن علائم، یا بروز علائم جدید، با پزشک یا داروساز خود مشورت کنید.

23. According to the instructions, choose the correct advice.

- a. you can take 4 tablets every 2 hours.
- b. you should not drink water with tablets.
- c. you can take more than 6 tablets a day.
- d. you should take two tablets the first time.

با توجه به دستورالعمل، توصیه صحیح را انتخاب کنید.

آ. می توانید هر 2 ساعت 4 قرص مصرف کنید.

ب. شما می توانید بیش از 6 قرص در روز مصرف کنید.

ب نباید با قرص آب بنوشید

د باید بار اول دو قرص مصرف کنید.

اول ریدینگ گفته دو قرص را مصرف کنید اگر کافی نبود یک یا دو قرص هر چهار ساعت مصرف کنید پس بار اول باید دو قرص فوراً یعنی گزینه D صحیح است

24. Neurofen tablet is harmful for.

- a. children under 12
- b. the elderly
- c. children over 12
- d. adults

سوال گفته این قرص برای چه افرادی مضر است تو ریدینگ گفته بچه های زیر 12 سال مصرف نکنند پس میشه

گزینه A

25. You can visit your doctor if.

- a. you feel new signs of sickness
- b. you feel better
- c. you take 4 tablets a day
- d. symptoms of your sickness improve

گفته در چه صورت باید به پزشک مراجعه کنید که طبق ریدینگ وقتی باید مراجعه کرد که علائم جدیدی بوجود بیاید یا علائم بدتر شود پس گزینه A به معنی زمانی که علائم جدید مس گنی درست است.

Neurofen works where it's needed-at the site of pain. It quickly relieves pain, reduces inflammation, and lowers temperature. It relieves dental pain, muscular pain, cold and flu symptoms, feverishness and migraine.

نوروفن در جاهایی که لازم است کار می کند - در محل درد. به سرعت درد را تسکین می دهد، التهاب را کاهش می دهد و دما را کاهش می دهد. درد دندان، درد عضلانی، علائم سرماخوردگی و آنفولانزا، تب و میگرن را تسکین می دهد.

26. Neurofen relieves dental pain. Dental pain means..

- a. backache
- b. stomachache
- c. toothache
- d. headache

پرسیده Dental pain به چه معناست که همیشه گزینه C یعنی toothache که به معنای دندان درد است.

27. "It relieves feverishness" means..

- a. it reduces inflammation
- b. it improves headache.
- c. it lowers high temperature
- d. it worsens muscular pain.

ترجمه سوال تب را برطرف می کند یعنی..

آ. التهاب را کاهش می دهد	ب. سردرد را بهبود می بخشد
ج. دمای بالا را کاهش می دهد	د. درد عضلانی را تشدید می کند.

در ترجمه مشخصه گزینه C همیشه.

28. "It relieves muscular pain" means you can use Neurofen if

- a. you have a headache
- b. you feel cold
- c. you have pulled a muscle in your leg
- d. you have sore throat

ترجمه سوال : درد عضلانی را تسکین می دهد یعنی می توانید از نوروفن استفاده کنید اگر

آ. سر درد دارید ب احساس سرما میکنی ج. عضله پات کش آمده د. گلو درد دارید

گزینه C صحیح است.

A. Read the following questions and choose the best answer.

1. Which statement is true?

- a. fish and chips is the main course in the menu.
- b. sausage and mash is the appetizer in the menu.
- c. tea and chocolate cake is the appetizer in the menu.
- d. soup of the day is the dessert in the menu.

ترجمه سوال کدام عبارت درست است؟

ب سوسیس و پوره پیش غذا در منو است.

د سوپ روز دسر در منو است.

آ. ماهی و پیپس غذای اصلی منو است.

ج. کیک پای و شکلاتی پیش غذا در منو است.

باتوجه به ترجمه A درست است

2. Which statement is false?

- a. Coffee is chunky.
- b. the liquid which goes with food is the sauce.
- c. a cut of meat is sirloin.
- d. you can cut the cake into slices.

گفته کدام عبارت نادرست است گزینه A پانکی به معنای درشت و هیکل بزرگ است و نمی تواند کنار قهوه بیاید.

3. Just book and pay at reception when you check in. The word "book" means ...

- a. travel
- b. reserve
- c. relax
- d. call back

گزینه B همیشه گفته book به چه معناست که هم معنی reserve به معنی رزرو کردن است.

4. "Mind your head" is a notice on a shop's windows. The word "mind" means.....

- a. touch
- b. be careful of
- c. look for
- d. relax

گزینه C همیشه گفته mind به چه معناست که در این جمله هم معنی look for به معنی موااست باشد است.

5. If symptoms continue consult your doctor. The word "symptom" means....

- a. tablet
- b. pain
- c. sign
- d. warning

گزینه C همیشه گفته symptom به چه معناست که هم معنی sign به معنی علائم است.

6. You are a great teacher. I enjoyed all your classes. The word "great" means.....

- a. curious
- b. angry
- c. wonderful
- d. large

گزینه C همیشه گفته great به چه معناست که هم معنی wonderful به معنای عالی است.

7. General Pershing was a famous American officer. The synonym (meaning) for famous is

- a. well-known
- b. experienced
- c. professional
- d. great

گزینه A همیشه گفته هم معنی famous میست که well-known به معنای شناخته شده می شود.

8. Which statement is the meaning of "We do not accept cheques or credit cards"?

- a. You must pay in cash.
- b. The shop is open one evening.
- c. You can shop here six days a week.
- d. You can't get out here.

گفته منظور از «چک یا کارت اعتباری نمی پذیریم» کدام عبارت است؟ که همیشه گزینه A یعنی باید نقد پرداخت کنید.

9. Which statement is false? In a department store, you can find

- a. boots in the women's footwear department.
- b. suitcase in the luggage department.
- c. perfume in the gadget and games department.
- d. necklace in the women's accessories department.

کدام عبارت نادرست است؟ در یک فروشگاه بزرگ، می توانید پیدا کنید

- | | |
|---------------------------|--------------------------------|
| آ. چکمه در بخش کفش زنانه. | ب. چمدان در بخش چمدان. |
| ج. عطر در بخش گجت و بازی. | د. گردنبند در بخش لوازم زنانه. |
- طبق ترمیم مشخصه گزینه C صمیم است.

10. Which statement is the meaning of "Sales Start Today: Up to 30% of Our Original Prices"?

- a. Things are as cheap as last week.

- b. Things cost more than usual.
- c. Things cost less than usual.
- d. Things are not 30% cheaper.

منظور از «شروع فروش امروز» تا 30 درصد از قیمت های اصلی ما «کدام عبارت است؟

آ. چیزها به اندازه هفته گذشته ارزان هستند.

ب هزینه چیزها بیشتر از مد معمول است.

ج. هزینه چیزها کمتر از مد معمول است.

د چیزها 30 درصد ارزان تر نیستند.

گزینه C صحیح است.

11. Which statement is the meaning of "You can shop here six days a week"?

- a. Late night shopping: Thursdays-till 8 pm
- b. Open daily 10-6 Except Mondays
- c. Please use other doors
- d. Shoes Repaired While You Wait

گفته کدام جمله با جمله می توانید شش روز در هفته در اینجا خرید کنید هم معنی است؟ تنها گزینه C صحیح است

که گفته هر روز از 10 تا 6 باز است بهز دوشنبه یعنی شش روز در هفته باز است.

12. At a Currency Exchange the assistant asks the question "

- a. Would you like cash or traveler's cheques
- b. Would I pay in cash
- c. How much commission do you charge
- d. Can I have a receipt

در صرافی، مسئول این سوال را می پرسد.

آ. آیا پول نقد می فواید یا چک مسافرتی

ب آیا به صورت نقدی پرداخت می کنم؟

ج. چقدر پورسانت میگیرید

د میتونم رسید بگیرم

با توجه به ترجمه مشخصه گزینه A صحیح است.

13. The..... from an ATM shows how much money you got.

- a. commission
- b. receipt
- c. credit card
- d. passport

سوال می‌تواند که از ATM می‌گیرید موبودی را نشان می‌دهد که جواب گزینه B می‌باشد یعنی رسید بانکی.

14. If you're returning from your journey within 31 days, we will buy back your foreign and traveler's cheques.

- a. receipt
- b. commission
- c. currency
- d. notes

سوال گفته که تا 31 روز برگردی از سفر ما فارمی تون رو می‌فریم که می‌باشد گزینه C به معنای ارز.

15. Which statement is true for "Mr. Robinson never went to a dentist, because he was afraid"?

- a. Mr. Robison was never afraid of the dentist
- b. Mr. Robinson was a frightening dentist.
- c. The dentist helped Mr. Robinson.
- d. Mr. Robinson was afraid to fix his teeth.

گفته کدام گزینه با جمله آقای رابینسون هیچوقت به دندانپزشکی نرفته بود زیرا می‌ترسید هم‌فواتی دارد که می‌باشد

گزینه D که گفته آقای رابینسون می‌ترسید دندان هایش را درست کند.

16. One day Billy tried to..... a picture of his father on the board.

- a. draw
- b. make
- c. continue
- d. shape

سوال گفته یک روز بیلی تلاش کرد نقاشی از پدرش. نقاشی رو می کشن پس میشه گزینه A

17. Billy's mother was very bad drawing.

- a. at
- b. with
- c. by
- d. to

در انگلیسی ترکیب bad at برای بیان بد بودن در انجام کاری استفاده میشود پس گزینه A صحیح است.

18. People at the airportcustoms.

- a. go through
- b. show
- c. carry
- d. collect

افراد داخل فرودگاه از گیت گمرک که میشه گزینه A عبور می کنند

19. My work finishes at 6 and I can go to the supermarket..... my way home.

- a. on
- b. at
- c. to
- d. from

در اینجا قبل way از on استفاده میشه یعنی گزینه A

20. Billy's mother often drew him some pictures on old pieces of paper. What is the antonym (opposite) for old?

- a. new
- b. young
- c. fresh
- d. modern

مفالف کلمه Old (رو در این جمله می فواد در جمله گفته کاغذ های قدیمی گفته شده پس کلمه جدید همیشه
مفالفش یعنی گزینه A.new .